

ضرورت تصحیح مجدد دیوان ادیب صابر ترمذی

دکتر مهدی تدین* - دکتر حسین آقاحسینی** - احمد رضا یلمه‌ها***

چکیده

دیوان ادیب صابر تاکنون دو بار در ایران به چاپ رسیده است. بار اول در سال ۱۳۳۴ کلاله خاور به کوشش علی قویم آنرا چاپ کرد. این چاپ بسیار پر غلط و نابسامان است و مشخص نیست که ایشان چه نسخه‌ای از چه قرنی را در دست داشته‌اند. چاپ دوم در سال ۱۳۴۳ به همت محمدعلی ناصح صورت گرفت. متن دیوان درست عین نسخه خطی است که در دسترس علامه قزوینی بوده و متعلق به سال ۷۱۴ هـ ق است. در سال ۱۳۸۰ هم آقای احمد عبدالله در شهر ترمذ ازبکستان، دیوان چاپی قویم را اساس قرار داده و چاپ دیگری پر از غلط نشر داده است. در این مقاله سعی شده است به ضرورت تصحیح مجدد دیوان این شاعر با دلایل و شواهد کافی پرداخته شود و اشتباههای نسخ در تصحیح دیوان با مقابله با نسخه‌های جدیدی که در دست نگارنده است، تصحیح گردد.

واژه‌های کلیدی

تصحیح، نسخه‌های خطی، دیوان، ادیب صابر.

* - استاد گروه ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

** - استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان.

*** - عضو هیأت علمی گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد دهاقان.

مقدمه

شرف‌الادبا شهاب‌الدین ادیب صابر ترمذی یکی از شعرای قرن پنجم و ششم هجری است. نام و تخلص شعری او صابر است و بیشتر به صابربن اسماعیل مشهور و لقب او شهاب‌الدین است. عموم تذکره‌نویسان او را از مردم ترمذ دانسته‌اند، از این شهر محدثان و شاعران و علمای بزرگ از جمله محمدبن عیسی از ائمه و حفاظ حدیث (متوفی به سال ۲۷۹) و محمدبن جعفر از فقهای برجسته (متوفی به سال ۲۹۵) و ابو عبدالله محمد بن علی ترمذی از عرفای نامی و شاگردش محمد بن وراق و منجیک ترمذی شاعر شهیر برخاسته‌اند.

ادیب صابر ترمذی از شعرایی است که تمامی تذکره‌نویسان و نویسندگانی که درباره وی مطلبی نگاشته‌اند، او را به روانی گفتار و شیرینی زبان و بلندی طبع ستوده‌اند. از معاصران شادروان فروزانفر شعرش را لطیف، خیالش را ساده و طبعش را روان شمرده است. بیشتر قصاید ادیب صابر در مدح مجدالدین ابوالقاسم علی‌بن جعفر موسوی (نقیب ترمذ) است که در سنه ۵۵۵ وفات یافته است. در عین حال چندین قصیده در مدح سلطان سنجر و شرح فتوحات متعدد وی دارد.

ادیب صابر با رشیدالدین وطواط بلخی، مسعود سعد سلمان، انوری، امیرمعزی، عبدالواسع جبلی، اثیرالدین فتوحی مروزی، عمادی شهریار، کمالی خراسانی، شمالی دهقانی معاصر بوده است و با بعضی از این شعرا مرادده هم داشته است. انوری در ضمن چکامه‌ای خود را با ادیب صابر مقایسه کرده و گفته است:

این همه بگذار با شعر مجرد آمدم چون سنایی هستم آخر گرنه همچون صابرم

پیشینه چاپ و تصحیح دیوان ادیب صابر

دیوان ادیب صابر تاکنون دو بار در ایران به چاپ رسیده است. ابتدا در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی کلاله خاور به کوشش علی قویم آنرا به چاپ رسانده است. این چاپ بسیار پرغلط و نابسامان است و مصحح مشخص نکرده که چه نسخه‌ای را از چه قرنی در دست داشته است، اما از شواهد به نظر می‌آید نسخه ایشان مربوط به دوران متأخر است، چرا که تقریباً شبیه نسخه خطی است که به خط عبرت نائینی در سلخ ذیقعدہ ۱۳۳۶ هجری قمری استنساخ شده و گویا چاپ قویم از روی همین نسخه صورت گرفته است.

چاپ دوم این دیوان در سال ۱۳۴۳ به همت استاد محمدعلی ناصح انجام گرفته است. این تصحیح ظاهراً بدون آگاهی از چاپ قویم و یا بی‌اعتنا به آن انجام شده است و متن دیوان درست عین نسخه خطی است که متعلق به سال ۷۱۴ هـ ق است و عکس آن در دسترس علامه قزوینی بوده و ایشان با در دست داشتن این نسخه همراه با نسخ دیگر، دیوانی شامل ۶۴۷۲ بیت از این شاعر به خط احمد خوشنویس چاپ و منتشر کرده است.

در این اواخر هم احمد عبدالله در شهر ترمذ ازبکستان، دیوان چاپی قویم را اساس قرار داده و دیوانی پر از غلط‌های چاپی و نگارشی به چاپ رسانده‌اند؛ به‌گونه‌ای که گزاف نیست، اگر بگوییم حتی یک قصیده صحیح و بی‌غلط در این دیوان نمی‌توان یافت. نگارنده از آنجا که چند سالی است دست در کار تصحیح دیوان این شاعر دارم و نسخه‌های مختلف دیوان او را از نظر گذرانده‌ام، می‌توانم اطلاعاتی در این باب در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم.

قدیمترین نسخه از دیوان این شاعر نسخه‌ای است با نام «منتخبات دواوین سته» متعلق به ۷۱۴ هجری قمری. این نسخه در کتابخانه دیوان هند انگلستان نگهداری می‌شود و عکس آن در کتابخانه ملی ایران موجود است و استاد فقیه محمدعلی ناصح این نسخه را اساس تصحیح دیوان این شاعر قرار داده و چنانکه خود در مقدمه خویش گفته‌اند، رسم‌الخط آن را حفظ کرده‌اند، ولی از آنجا که ایشان در خواندن مواردی از متن به خطا رفته‌اند و مواضعی نیز در تصحیح به ذوق و حدس متوسل شده‌اند، دیوان ادیب صابر به تصحیحی دقیقتر نیاز دارد.

در مقاله حاضر بخشی از خطاهای نسخه مصحح شادروان ناصح بررسی می‌گردد. در قسمت اول بدخوانی‌ها و در قسمت دوم خطاهایی که حاصل تصحیح‌های قیاسی و ذوقی است، آمده است. شماره صفحه و بیت در این نوشته براساس همین چاپ است.

بدخوانی‌های اصل نسخه

ص ۶ بیت پنجم:

... خواهی شنید از این و از آن که فلان رفت و آن فلاه نماند

در اصل نسخه به جای نقطه‌چین «چند» مکتوب است که به همین صورت با افتادگی در دیوان چاپ ناصح مذکور است.

ص ۱۰ بیت سوم:

هیبت او را فنای عمر خاقان دان از آنک
دولت او را زوال ملک قیصر کرده‌اند

در اصل نسخه، مصراع اول بدین صورت است «هیبت او را فنای عمر خاقان داده‌اند».

ص ۱۳ بیت دهم:

تا فلک را زیور اصلی ز اختر داده‌اند
تا عرض را نسبت اصلی به جوهر کرده‌اند

به جای «نسبت اصلی» در اصل نسخه «نسبت کلی» مضبوط است که اتفاقاً با عرض و جوهر تناسب تمام دارد.

ص ۱۶ بیت سیزدهم:

به بازار عدل تو از بی‌روایی
روان طیره گشته است نوشین‌روان را

به جای «بی‌روایی» در اصل نسخه «بس روایی» است.

ص ۱۸ بیت پنجم:

نیاید تو را نقص در شهریاری
از آن‌سان که عیب این غیب‌دان را

مصراع دوم به همین صورت در دیوان چاپ ناصح آمده است که ناموزون است و ضبط اصل نسخه این چنین است «از آن‌سان که عیب ایزد غیب‌دان را».

ص ۲۱ بیت پنجم:

اگر ز توده خاکی به تک برون نشوم
ز عجز نیست که از حلم بردبار من است

به جای توده خاکی، در اصل نسخه «مرکز خاکی» است.

ص ۲۳ بیت نهم:

قاضی است سر تیغ تو در حکم ممالک
مغنی است سر کلک تو در کشف مسایل

به جای کلمه مغنی، در اصل نسخه «مفتی» آمده است.

ص ۲۶ بیت نهم:

دل را دل چو سنگ تو آزار می‌دهد
دم را دهان تنگ تو انکار می‌کند

در اصل نسخه به جای کلمه انکار، «افگار» ضبط شده است.

ص ۳۰ بیت چهارم:

گویی چمن ز ناله مرغ و نسیم گل ما و ذکی حکایت عیار می کند

صورت صحیح مصراع دوم، طبق اصل نسخه چنین است «با رودکی حکایت عیار می کند» و مصراع به حکایتی در باب رابطه رودکی و عیار اشارت دارد.

ص ۳۲ بیت هفتم:

..... ن رعایت امرش چو نوبهار فرتوت را به قوت برنا کند همی

به جای نقطه چین در اصل نسخه «دور امان» مضبوط است.

ص ۳۵ بیت هفتم:

عیش هنی تو داد که تأثیر عدل تو عیش همه زمانه مهیا کند همی

به جای «داد» در اصل نسخه «دار» مضبوط است و در مصراع دوم به جای «مهیا»، «مهنا» صحیح است.

ص ۳۶ بیت اول:

نه بی وصل تو روزم را سپیدی است نه بی جورت گلیم را سیاهی

به جای «بی جورت» در اصل نسخه «بی هجرت» مضبوط است که با وصل در مصراع نخست تناسب دارد.

ص ۴۵ بیت پنجم:

با چنین نوروز نو کاین باغ و صحرا یافتند جان و دل جوای باغ و عاشق صحرا شدند

در اصل نسخه به جای مصراع اول، چنین است «با چنین نور و نوا کاین باغ و صحرا یافتند».

ص ۶۰ بیت هشتم:

صدری که جود و مجد نیارد به ذات او روز و شبان چنان که شعیب از شبان خویش

به جای کلمه «نیارد»، در نسخه اصل «بنازد» آمده و همین صحیح است.

ص ۷۵ بیت چهاردهم:

قضا کشیده به قصد مخالفتش کمان قدر کشیده به قهر نماز عانش کمین

به جای «قدر کشیده» در اصل نسخه، «قدر گشاده» مضبوط است و همین درست است. چه «کمین کشیدن» هیچ معنایی ندارد.

ص ۷۷ بیت پنجم:

به لفظ خویش همه سوره امید بخوان به چشم خویش همه صورت مراد بین

به جای کلمه «سوره» در اصل نسخه «سورت» آمده است که مناسب‌تر است. ص ۸۲ بیت اول:

چو معن زایده جود تو را ندار وکیل چو قس ساعده مدح تو را ندار خطیب

به جای کلمه «ندار» در اصل نسخه در هر دو مصراع «هزار» آمده و صحیح هم چنین است. ص ۸۲ بیت دوم:

نه بی نصایح تو یک طویل را گوهر نه بی مدایح تو یک قصیده را تشیب

به جای کلمه «نصایح»، «مدایح» آمده و صحیح هم چنین است. مدایح به معنی بخشش هاست. ص ۹۱ بیت نهم:

چگونه مثل تو باشند مهتران به محل چه جنس پرّهما آمده است بال ذباب

در اصل نسخه به جای مصراع دوم چنین است «نه جنس بال هما آمده است پرّ ذباب» ص ۹۴ بیت یازدهم:

ز دست تو دریای بخشنده عاجز ز رای تو خورشید تابنده نایب

به جای کلمه «نایب» در اصل نسخه «خایب» آمده است. و با عاجز تناسب دارد. ص ۹۵ بیت چهارم:

کلام تو دارد صنوف بدایع ز کلک تو نازد فنون غرایب

طبق اصل نسخه، کلمه «نازد» غلط و «بارد» صحیح می‌باشد.

ص ۹۶ بیت هشتم:

فتنه مشک تو نیکوان خراسان بستۀ بند تو جادوان دماوند

به جای «فتنه مشک» در اصل نسخه «فتنه قند» مضبوط است و قند با بند تناسب دارد.
ص ۱۰۲ بیت اول:

رویش نشان ز صنعت نقاش چین دهد رویش نگر همیشه چنین دهد

به جای نقطه چین در اصل نسخه «نشانی» آمده است.

ص ۱۰۵ بیت دوم:

دل را سعادتی است مناجات دلبران ای کاشکی که مناجات باشدی

به جای نقطه چین در اصل نسخه، «وجه» مرقوم است.

ص ۱۰۵ بیت هفدهم:

دل را به داغ عشق ملامت مکن که هست حسن از شمار ... و عشق از شمار دل

در اصل نسخه به جای نقطه چین «الله» می باشد.

ص ۱۰۶ بیت اول:

او دوستدار دل شد و من دوستدار او من دوستدار اویم و او دوستدار دل

مصراع دوم به همین صورت در دیوان چاپ ناصح آمده است و هیچ لطف معنایی ندارد؛ در اصل نسخه این مصراع بدین صورت ضبط شده است «من دوستدار او به و او دوستدار دل».

ص ۱۰۷ بیت هفتم:

اندر خیال کند مرا اندر لباس دل بدل من خیال یافت

طبق اصل نسخه مصراع اول چنین است «اندر خیال تو که زیارت کند مرا» و در مصراع دوم به جای «من»، «تن» آمده است.

ص ۱۰۸ بیت اول:

..... بودی به نیکویی از نیکوان زبان تو بر لاف نیستی

استاد ناصح مصراع نخست را ناقص خوانده‌اند و تمام آن چنین است: «خورشید اگر نظیر تو بودی به نیکویی». ص ۱۰۸ بیت هفتم:

.....اگر چند حاضرم ایدون گمان بری که ز پیش تو غایم

به جای نقطه‌چین در اصل نسخه آمده است «از لاغری که هستم». ص ۱۰۸ بیت دهم:

یک تن ز جان طبع نخیزد چنو مگر بعد از مقدمات قرانها و سالها

سالها در اصل نسخه «حالتها» است و این صحیح است؛ چرا که قافیه بیت بعد هم سالهاست و ضبط ناصح نمی‌تواند صحیح باشد. ص ۱۰۹ بیت هفدهم:

اقبال جمله اهل زمین است عمر او یارب ز آسمانکن قفاش

صورت صحیح مصراع دوم طبق اصل نسخه چنین است «یارب ز آسمان همه اقبال کن قفاش». ص ۱۱۰ بیت اول:

از عرق مصطفا به سخاوت چنو نخاست یارب بده سیاست شمشیر مرتضاش

به جای کلمه «مصطفا»، در اصل نسخه، «مرتضا» آمده است و همین ضبط هم صحیح است؛ چرا که بیت قبل آن چنین است:

در آل مصطفاش به حرمت نظیر نیست یارب بزرگ هر دو جهان کن چو مصطفاش

ص ۱۲۴ بیت یازدهم:

اقبال پیش خدمت صدر تو صف زده‌ست زین مکرمت که خیر و صفدر کند همی

ترکیب «خیر و صفدر» غلط و صحیح طبق اصل نسخه «خسرو صفدر می‌باشد». ص ۱۳۳ بیت هشتم:

کند سیاست خصمش صحیح را معلول کند سلاست لفظش فصیح را ابکم

در اصل نسخه، به جای «خشمش»، «خشمش» آمده و صحیح است.
ص ۱۴۵ بیت دوم:

دُر و شکر شود چو به کلکش رسد سخن کلک است و با بضاعت عمان و عسکر است

طبق اصل نسخه، صورت صحیح آغاز مصراع دوم چنین است «کلک است یا».
ص ۱۵۷ بیت دوازدهم:

گهی فرود تو تاری ز پرده‌های بخار گهی فراز تو روشن به تخته‌های رخام

این بیت، در ضمن قصیده‌ای است که در لغز آب است و طبق ضبط ناصح مفهوم بیت مبهم است. در اصل نسخه این بیت بدین صورت مضبوط است:

گهی قمر ز تو تاری ز پرده‌های بخار گهی شمر ز تو روشن به تخته‌های رخام

ص ۱۵۸ بیت نهم:

کفش کریم و در اکرام او وفای به جود دلش طیب و در انعام او شفای سقام

به جای ترکیب «وفای به جود»، در اصل نسخه، «وفای عهد» آمده و صحیح است.
ص ۱۶۴ بیت هفتم:

اگر به آتش عشق تو مبتلا گردد جهان خاک شود خوار و خاکسار آتش

مصراع دوم، در اصل نسخه به این صورت است «چو باد و خاک شود خوار و خاکسار آتش».

ص ۱۷۰ بیت نهم:

آفتاب آل یاسین سیدالساده که هست چه جبل‌المتین و بقعه داء دوی

که استاد ناصح، «حُبُّه جبل‌المتین و بُغْضُهُ داء و دوی» خوانده و در حواشی افزوده‌اند که داء در اینجا به معنی فریاد است و دوی مطلق صوت است و علی‌الغلب غریو رعد. صورت صحیح مصراع دوم بیت، طبق اصل نسخه چنین است «حُبُّه جبل‌المتین و بُغْضُهُ داء دوی» و داء دوی بیماری صعب‌العلاج و سخت است.

ص ۱۷۴ بیت چهارم:

ز نیکویی گل و جاه اندرو همی دیدند که جود و جاه بدین صدر روزگار اندر

مصراع اول برای خود استاد ناصح هم بی مفهوم بوده است. طبق اصل نسخه، مصراع اول چنین است «ز نیکویی گل و ماه اندرو همان دیدند».

ص ۱۸۷ بیت پانزدهم:

به جود و مجد و علم و عدل مخصوص است شخص او

به جز یک شخص از مجموع این هر چارگی باشد

نیم مصراع دوم در اصل نسخه چنین است «به جز یک شخص او»

ص ۱۹۱ بیت اول:

رای رفیع او چو رفیقی است مهربان بر تاج و تخت شاه جهان مالک الرقاب

در اصل نسخه، به جای «رفیقی است»، «رقیبی است» مضبوط است.

ص ۱۹۶ بیت پنجم:

تا دلم در دست آن سنگین بر سنگین دل است

زیر پای من ز آب چشم و خون دل گل است

به جای «سنگین بر»، در اصل نسخه «سیمین بر» مضبوط و صحیح هم چنین است.

ص ۲۰۴ بیت پانزدهم:

اندازه مناقب او را قیاس گیر مر جمله فضایل او را شعار کن

به جای «شعار»، در اصل نسخه «شمار» آمده و همین درست است.

ص ۲۰۵ بیت پنجم:

هر لحظه در زیادت قدری و شهریار هر دم ثنا و محمادت شهریار کن

در اصل نسخه مصراع اول به این صورت مکتوب است «هر لحظه در زیادت قدری ز شهریار».

ص ۲۱۰ بیت اول:

آمد آن فصل که در وی همه جز می نخورند

و آمد آن روز که مرغان همه جز گل نچرند

به جای «می» در اصل نسخه «مُل» آمده و این مناسب‌تر است.
ص ۲۲۸ بیت سوم:

جاه تو از نوایب گیتی امان ما جان تو در امان و قدر تو امان تو

مصراع دوم به این صورت مغشوش است. این بیت در اصل نسخه به این صورت آمده است:

جاه تو از نوایب گیتی امان ما جان تو در امان و فدای تو جان ما

ص ۲۳۰ بیت چهارم:

راهی چو آسمان که نجومش بود ز ریگک دشتی چو بوستان که شجر دارد از محن

کلمه قافیۀ «محن» در دو بیت قبل هم آمده است. در اصل نسخه به جای محن، «شجن» ضبط شده است. شجن به معنی غم و اندوه است و ارتباط آن با کل بیت واضح است.
ص ۲۳۱ بیت دوم:

داننده حقایق و خواننده طمع داننده نیاز و فشاننده فتن

صحیح مصراع دوم طبق اصل نسخه چنین است:

داننده حقایق و خواننده طمع راننده نیاز و فشاننده فتن

یعنی ممدوحی که نیاز را از انسان می‌راند و فتنه‌ها را از بین می‌برد.
ص ۲۳۱ بیت هشتم:

با فکرت تو عقل خطیر است بی خطر با خدمت تو دُرّ ثمین است بی ثمن

در اصل نسخه به جای «با خدمت»، «با مدحت» آمده است.

ص ۲۳۶ بیت ششم:

به شب با ماه بازم عشق بهر ماه رخساری به روز از سرو باشم شاد زیرا سرو بالای

در اصل نسخه، به جای «بهر ماه رخساری»، «ازیرا ماه رخساری» مضبوط است و همچنین در مصراع دوم به جای زیرا «ازیرا» آمده است.

ص ۲۴۲ بیت هشتم:

ز حرص مدحت او ماند نفس عاشق نطق ز شوق خدمت او ماند جفت روح بدن

صورت صحیح مصراع دوم طبق اصل نسخه چنین است «ز شوق خدمت او ماند روح جفت بدن».

ص ۲۶۱ بیت هفتم:

آن تویی کاندر زمان و در زمین..... رخت ما و بار ما در کاروانی دیگر است

این بیت با همین افتادگی در دیوان چاپ ناصح آمده است. در اصل نسخه، مصراع اول چنین است «آن تویی کاندر زمان و در زمین مثل تو نیست».

ص ۲۶۷ بیت هفتم:

عاشق و مست و جوانم چه کنم عاشق آن بود که بود مست خراب

صحيح بيت چنین است:

عاشق و مست و خرابم چه کنم عاشق آن به که بود مست و خراب

ص ۲۸۲ بیت چهارم:

بستر و بالین من ز آب است و آتش پس مرا تا سگالیده فراقش بر سر بالین گرفت

استاد ناصح مصراع دوم را نامفهوم یافته و در آخر آن علامت سؤال گذاشته‌اند. صورت صحیح مصراع دوم طبق اصل نسخه چنین است: «ناسگالیده فراقش بر سر بالین گرفت» و ناسگالیده به معنی غیرمنتظره و نامنتظر است.

ص ۳۰۸ بیت پنجم:

و آن کس که با خلاف تو پیوست در جهان پیوست با خلاف ولیکن روان گسست

صورت صحیح مصراع دوم، طبق نسخه چنین است «پیوست با خلاف ولیکن ز جان گسست».

ص ۳۲۱ بیت نهم:

..... ز لفظ نامه تو حروف و معنی او را چو درج دیدم و برج

مصراع اول با همین افتادگی در دیوان چاپ ناصح آمده است. در اصل نسخه این چنین آمده است «به چرخ و کرخ رسیدم ز لفظ نامه تو».

ص ۳۲۶ بیت نهم:

نه رازق است جودش و ارباب ذوق را توفیق جود اوست که تیسیر کرده‌اند

ترکیب «ارباب ذوق» در مصراع اول به کلی نامفهوم است و در اصل نسخه به جای این ترکیب «ارباب رزق» آمده و صحیح هم چنین است.

ص ۳۳۵ بیت اول:

بر روی دهر داغ غلامی به نام توست هر حیفی که هست مرا از غلام توست

به جای «هر حیفی» در اصل نسخه «هر محنتی» آمده است و صحیح هم چنین است. ص ۳۳۷ بیت یازدهم:

من چرا بی بارم از زلف و رخت کز... نور مشک و مه را بینم از زلف و رخت بار آمده

به جای نقطه‌چین در اصل نسخه آمده است «کز دود و نور».

ص ۳۴۰ بیت یازدهم:

شکر بارد همی از ناردانش قمر بارد همی از گلستانش

در اصل نسخه، به جای «بارد»، کلمه «تابد» آمده است و در بیت بعد هم:

شکر طبع و قمر نور است طبعم همه ساله ز وصف این و آنش

به جای «طبع»، «طعم» صحیح است.

ص ۳۴۱ بیت ششم:

بیامد دوش در مستی که او بود همی پیچید چون زلف آن زیانش

طبق اصل نسخه صورت صحیح مصراع اول چنین است «بیامد دوش وز مستی که او داشت».

ص ۳۵۰ بیت چهارم:

نسبت جد از جمال تو کمالی یافته است صورتی خود از کمال تو جمالی یافته است

صورت صحیح مصراع دوم طبق اصل نسخه این چنین است «صورت جود از کمال تو
جمالی یافته است».

ص ۳۶۲ بیت ششم:

یکی نیک به از هزاران رذاله یکی شاه به از هزاران پیادق

به جای کلمه «هزاران»، در مصراع اول، در اصل نسخه «فراوان» آمده است.

ص ۳۸۹ بیت دوم:

هر آینه که به ترمد رسی جداگانه وثاق خواهم و تشریف و رایت و اجری

به جای کلمه «رایت» در اصل نسخه «راتب» آمده است که مناسب است.

ص ۴۰۴ بیت اول:

تو اندر حصاری و مهر تو هست حصار حصین را حصاری دگر

به جای کلمه «مهر»، در اصل نسخه «شهر» مضبوط است.

ص ۴۲۲ بیت دوم:

هرچند که در گل همه خوبی و خوشی هست بی مل نه همانا که خوش آید به بر گل

به جای «به بر گل» در اصل نسخه «خبر گل» ضبط شده است.

ص ۴۲۵ بیت سوم:

بدخواه مشو و بد مکن عهد خوی خوش و حسن عهد خوشتر

مصراع اول در اصل نسخه بدین صورت مکتوب است «بد خو مشو و تبه مکن عهد».

ص ۴۳۰ بیت یازدهم:

زان زلف گشت مؤذن دلهای عاشقان آری صلاح خود نگرد باد صبحدم

به جای «مؤذن» در اصل نسخه «مونس» آمده است.

ص ۴۳۲ بیت چهارم:

..... یار..... سوز از بهر سه بوسه از آن دو لب روز

مصراع اول با همین افتادگی در دیوان صابر تصحیح ناصح ضبط شده است. در اصل نسخه این مصراع بدین صورت مضبوط است «صد بار مرا بسوخت آن عاشق سوز». ص ۴۵۹ بیت هشتم:

ای ز ماه آویخته عمر مراست دل بسدان آویخته، آویخته

طبق اصل نسخه، صورت صحیح مصراع اول چنین است «ای ز ماه آویخته عنبر، مراست».

تصحیح‌های ذوقی و قیاسی

دسته دوم از اشکالات در دیوان مصحح استاد ناصح، آنهایی است که ایشان در قرائت بیت به خطا رفته و خود با ذوق نقاد خود خواسته‌اند وجهی پیشنهاد کنند و یا اینکه در اصل نسخه، بیت مغلوط بوده و ایشان به ذوق و گمان متوسل شده‌اند و چون ذوق و حدس کارساز نبوده به ناگزیر علامت سؤالی کنار بیت گذاشته‌اند. برای نمونه ابیات زیر را نقل می‌کنیم:

جود عفرا و طبع او عروه است بس به غایت رسید عشق و هوا
گر به جانش طمع کنی گوید هان هلا بازگونه کن عفرا

استاد ناصح، بازگونه را که مطابق رسم‌الخط کهن کتاب «بازگونه» است، «بازگو، نه» خوانده‌اند و در معنی بیت دوم درحواشی نوشته‌اند «اگر از ممدوح من جان بخواهی پاسخ می‌دهد که ای عفرا، اینک و همین دم بستان و دیگر تقاضا را بازمگویی که حاجت به تکرار آن نیست. درحالی‌که ادیب صابر می‌گوید: اگر جان از ممدوح من طلب کنی می‌گوید هان بستان و بردار و جانم را بگیر. (با در نظر گرفتن اینکه اگر عفرا را بازگونه و مقلوب کنیم، ارفع می‌شود و ارفع به معنی بردار).
درص ۱۰۵ بیت دهم:

وز یاد چشم و زلف و خطش در آب هجر با ترگس و بنفشه و شمشاد بوده‌ام

ترکیب «در آب هجر» مغلوط است و استاد ناصح با ذوق نقاد خود حدس زده‌اند شاید «در عذاب هجر» صحیح باشد، در حالی که در اصل نسخه آمده است «در سراب هجر». ص ۱۱۴ بیت اول:

روشن کند سخا و سرش بار پیکری است فربه دهد عطا و تنش جفت لاغری

ترکیب «بار پیکری است»، برای استاد ناصح نامفهوم بوده است. ایشان «تار پیکر» را حدس زده‌اند. استاد همایی هم در مقاله خود در نقد دیوان ادیب صابر چاپ استاد ناصح، ترکیب «سرش یار تیرگی است» را حدس زده‌اند. در حالی که در اصل نسخه ترکیب «سرش مارپیکری است» آمده است. و این بیت در وصف کلک ممدوح است. ص ۱۷۴ بیت دوازدهم:

چو کز شهاب سپهر و نجوم و خلد و ارم ز بارگاه شریفش به روز بار اندر

سه کلمه اول در اصل نسخه افتاده است و استاد ناصح بدون هیچ اشاره‌ای این سه کلمه حدس خود را وارد متن کرده‌اند که صحیح هم نیست. صورت صحیح مصرع اول طبق دیگر نسخ موجود در دست نگارنده چنین است «چو گوشه‌ای است سپهر و نجوم و خلد و ارم». ص ۱۷۵ بیت سوم:

نیافت حاسد او هیچ عیب در هنرش جران چه عیب شناسد به نو بهار اندر

استاد ناصح در حواشی آورده‌اند که مصراع دوم درست نیست و ممکن است «خزان چه عیب شناسد» صحیح باشد. در حالی که صورت صحیح مصرع دوم طبق دیگر نسخ موجود در دست نگارنده چنین است «جز آنکه عیب نباشد به نو بهار اندر». ص ۱۸۰ بیت سیزدهم:

عقل مست علم گشت از بس که در بزم هنر ساقی لطفش بدو می داد در جام سف

استاد ناصح بعد از آخرین کلمه این بیت، علامت سؤال گذاشته‌اند. گویا این کلمه برای ایشان نامفهوم بوده است. این کلمه «نُتْف» است. نتف جمع «نُتْفَه» به معنی منتخب و برگزیده است و صورت صحیح مصراع دوم هم چنین است «ساقی لطفش بدو می داد در جام نتف».

این کلمه در دیوان شعرای همعصر ادیب صابر نیز آمده است و عبدالواسع جبلی شاعر همعصر وی که با او مراوده هم داشته دو بار این کلمه را به کار برده است. در قصیده‌ای که در جواب قصیده ادیب صابر فرستاده است، می‌گوید:

قصیده‌ای که فرستاده‌ای بر من هست صحیفه‌ای ز علوم و سفینه‌ای ز نتف

و یا در بیتی دیگر گوید:

پیش از این از قول من خواندند پیشت خدمتی خوب چون درج جواهر نغز چون درج نتف

ص ۱۹۶ بیت سوم:

گفتم ز مدح عرب لفظی به مدح عجم جز مدح من نکند کس سنود جیلی

استاد ناصح در حواشی آورده‌اند که شاید صحیح مصراع دوم چنین باشد «جز مدح من نکند گر بشنود جیلی». در حالی که طبق اصل نسخه مصراع دوم این چنین است «جز مدح من نکند کش بشنود جیلی». و در مصراع اول به جای «مدح عرب»، «وزن عرب» صحیح است.

ص ۲۵۱ بیت سوم:

عمده اسلام ابوالقاسم علی کز نام اوست هم معالی را اساس و هم علو را اتیاق

کلمه «اتیاق» را استاد ناصح بدون نقطه در متن آورده‌اند و کنار آن علامت سؤال گذاشته‌اند و حدس زده‌اند، شاید اشتقاق و یا استباق صحیح باشد. در حالی که با در نظر گرفتن اصل نسخه، صورت صحیح آن «انتساق» است و انتساق به معنی نظم و ترتیب می‌باشد.

ص ۲۵۹ بیت سیزدهم:

در گمان افتد که چون رخسار باغ و نقش باد در صناعت هیچ دیا هیچ مکسان هست نیست

در کنار کلمه مکسان، علامت سؤال گذاشته‌اند. در اصل نسخه این کلمه «کمسان» است. کمسان نوعی پارچه ابریشمی است و یک بار دیگر هم در دیوان ادیب صابر تکرار شده است و در آنجا هم استاد ناصح این کلمه را به اشتباه «کمیاب» قرائت کرده‌اند و در متن آورده‌اند و آن بیت این است:

ز مرغزار برون کرد حله کمیاب ز جویبار بر آهیخت جامه تحبیر

ص ۳۶۸ بیت هشتم:

سبب آه و غم زلف و لبش گشت و که دید

مشک و می کو سبب آه شد و موجب غم

استاد در حواشی آورده‌اند که به جای کلمه «آه» در دو مصراع «درد» درست است؛ چرا که ادیب صابر در این قصیده التزام الف کرده و در این قصیده الف وجود ندارد. در حالی که در اصل نسخه به جای آه در دو مصراع «لهو» آمده است.

نتیجه

اینها نمونه‌ای بود از ابیات نامفهوم دیوان ادیب صابر که بر سبیل اقتصار ثبت افتاد. نگارنده ابیات بسیار زیاد دیگری از دیوان این شاعر را با نسخه‌های مختلفی که در دست دارد، مقایسه کرده و توانسته است صورت صحیح آن را از زیر غبار اشتباه‌های نسّاخ بیرون آورد و این چند نمونه را آورد تا بر ضرورت تصحیح مجدد دیوان این شاعر تأکید شود.

بنا بر آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت با توجه به اهمیت این شاعر و با توجه به نبود دیوان منقح و علمی و شسته و رفته از دیوان این شاعر و همچنین با در نظر گرفتن ابیات و شواهدی که در بالا مورد بحث و بررسی قرار گرفت، می‌توان به ضرورت تصحیح مجدد دیوان این شاعر پی برد و این موضوع، ضروری و مهم به نظر می‌آید، وقتی بدانیم مصححان دیوان این شاعر فقط چند نسخه محدود را در نظر داشته و کار علمی در مورد این شاعر انجام نداده‌اند و نگارنده با مراجعه به کتابخانه‌های مختلف توانسته است بیش از ده نسخه خطی این شاعر را به دست آورد که هر یک در تصحیح ابیات این شاعر مهم و کارساز بوده است و نیز با مراجعه به جنگ‌ها و مجموعه‌های مختلف در قرون متمادی توانسته است اشعار زیاد و مجموعه‌ای نسبتاً کامل از اشعار این شاعر را فراهم آورد.

منابع

- ۱- سروشیار، جمشید. «نقد دیوان ادیب صابر ترمذی چاپ استاد ناصح»، مجله راهنمای کتاب، جلد دوازدهم.
- ۲- فروزانفر، بدیع‌الزمان. سخن و سخنوران، چاپ سوم، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۸.
- ۳- قویم، علی. دیوان ادیب صابر ترمذی، کلاله خاور، چاپخانه خاور، ۷ تهران، ۱۳۴۴.
- ۴- ناصح، محمدعلی. دیوان ادیب صابر ترمذی، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات علمی، چاپ افست علمی، مهرماه ۱۳۴۳.
- ۵- نفیسی، سعید. «خطابه ادیب صابر ترمذی»، آثار انجمن ادبی ایران، سال چهارم.
- ۶- همایی، جلال‌الدین. «نقد دیوان ادیب صابر طبع ناصح»، مجله وحید، سال دوم، شماره پنجم، اردیبهشت ۱۳۴۴.